سرمقاله

شکاف بین نسلی، تعامل یا تقابل

سهیل آل رسول
عضو هیأت مدیره کانون مهندسان
فارغ التحصیل دانشکده های فنی تبریز

چندین سال فعالیت اجتماعی منسجم کانون فارغ التحصیلان، تجربیات متعددی را ثبت و ضبط نموده است که تداوم آن با توجه به ماهیت گروه و مشابهت کلیه فرآیندهایی که سرنوشتشان با بستر گسترده اجتماعی گره خورده اند، نیازمند حضور و حرکت نسل های مختلف است. به جهت قدمت و اهمیت و از نگاه آمار بافت اعضای کانون فارغ التحصیلان تبریز نه تنها آینه ای مناسبی از فارغ التحصیلان کلیه دانشگاه های کشور که حتی در بسیاری از موارد از جمله حضور نسل های مختلف در بدنه کانون بازتاب جامعه ایران است. خصوصاً حضور چشمگیر همه نسل ها در فعالیت های اجرایی و مدیریتی کانون طی دو سال اخیر بازگو کننده این مهم است.

جوان بودن جامعه امروز ایران، جامعه ای که در حال گذار تاریخی خود با مشکلات جدی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مواجه است خود مهمترین کانون فرصت و تهدید قلمداد می گردد. جوان بودن جامعه از جهات مختلفی فرصت تاریخی محسوب می شود که از آن جمله انگیزه های فراوان و انرژی های عظیم بالقوه ای است که می تواند با جهت گیری حساب شده کشور را در عرصه های مختلف بین المللی، به جایگاه شایسته خود رهنمون سازد. در عین حال همین جوانی جامعه می تواند کانون تهدیدهای متعددی باشد که عمده آنها در حوصله و مطابق هدف این مقاله نیست. اما مهمترین موضوعی که می تواند در این اثنا مطرح باشد مسأله شکاف نسل هاست که مطابق دیدگاه های جامعه شناسانه هر چند اجتناب ناپذیر است لیکن می تواند با راهکارهای مناسب خود به فرصتی مضاعف تبدیل شود. در ادامه ضمن تعریف ملموس تر از مفاهیمی چون نسل، شکاف بین نسلی و تقابل نسلی نگاه دقیق تری به این مقوله بویژه در فعالیت های کانون می اندازیم به نحوی که زمینه شناخت و بهره برداری هر چه بیشتر از حضور نسل های مختلف در کانون نیز فراهم آید.

همواره تعاریف متفاوتی از نسل در ادبیات و فرهنگ جامعه مطرح بوده است از تعاریفی ساده چون فاصله میان والدین با فرزندان تا تعاریف عمیق تری که نسل را نسبی تعریف می کنند و معتقدند که بسیاری با افرادی پانزده سال بزرگتر از خودشان که در رویدادهای روانی تعیین کننده شریک بوده اند احساس نزدیک تری دارند تا افرادی که سنشان فقط اندکی از آنان کمتر است و به آن حوادث ارتباطی نداشته اند[1]. علیرغم همه این تعاریف متنوع چیزی که همگان نسبت به آن اتفاق نظر دارند این است که در جهان پر شتاب امروز هر نسل بازه سنی کوچک تری را نسبت به قبل شامل می شود. بنابراین اگر مطابق تعریف اول، فاصله میان والدین و فرزندان یعنی حدود ۲۵ تا ۳۰ سال یک نسل محسوب می شود امروز با کاهش بازه مذکور حتی ظاهراً خوشبین ترین جامعه شناسان و تاریخ نگاران معتقدند که هر ده سال شکل جدیدی از ذهنیت نسلی بروز می کند[2]

در هر حال جایگاه نسلی بیانگر موقعیت اجتماعی یک نسل است که آن را با افراد نسل دیگر متفاوت می کند. به عبارتی تجربه های تاریخی، اختراعات، تحولات شگرف و مسائلی از این دست که در زندگی یک نسل رخ می دهد ذهنیت متمایزی درون آن نسل شکل می دهد که الزاماً با ذهنیت نسل های قبل و بعد از آن هماهنگ نیست. نمونه های از این دست را در تجربه جنگ، ظهور فن آوری های فوق مدرن و حتی شبکه جهانی اینترنت می توان دید. در بستر این ذهنیت های متمایز بروز شکاف های بین نسلی اجتناب ناپذیر است. شکافی که عمدتاً در حوزه جامعه شناسی تغییرات فرهنگی مورد ارزیابی قرار گرفته است و تفاوت شگرفی با تضاد یا تقابل دارد. در شکاف های نسلی، واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت در کلیت فرهنگی اجتماع به تعامل می پردازند در حالی که در یک کشمکش نسلی به جای تعامل بر سر ارزش ها تعارضی تمام عیار شکل می گیرد[3]

به همین ترتیب اگر منابع هویتی نسل ها در راستای تأیید و تکمیل یکدیگر قرار نگیرند و نسل های گذشته در بستر تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انعطاف لازم را در باز تعریف ارزش ها نشان ندهند زمینه بروز تعارض ها افزایش می یابد. در اثنای این تعارض ها ممکن است واکنش های صلب هر یک از نسل ها به جهت در خطر دیدن باورها، ذهنیات و ارزش هایشان مشاهده شود که می تواند زمینه ساز تحولات رویایی اجتماع و سیاست در حوزه های فکری و اندیشه ای گردد[4]. در ایران هم تحولات فرهنگی- اقتصادی مرتبط با مدرنیسم از یک سو و رخدادهای عظیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چون انقلاب، جنگ و . . . از سوی دیگر شکاف بین نسل ها را چشمگیر نموده است به نحوی که برابر نظر بسیاری از تحلیل گران اجتماعی این موضوع در کنار شکاف جنسیتی از بنیادی ترین موضوعات پیش روی جامعه ایرانی است.

با توجه به همه این تعاریف و با پیش فرض اصلی بهره برداری مثبت از انرژی جوان جامعه، در کانون نیز باید به حضور و همکاری نسل های مختلف نگاهی ویژه داشت و این توجه باید با اعتقاد و التزام همراه باشد و تنها به مباحث کلامی بسنده نشود. با نگاهی به کارنامه ۶ سال اخیر فعالیت های کانون مهندسان فارغ التحصیل دانشکده های فنی تبریز باید گفت که گرایش به جلب مشارکت از جوانان هر سال بیش از گذشته بوده که در انتخابات دو سال پیش هیأت مدیره کانون به اوج خود رسیده است. با چنین زمینه و تدبیری که از مجموعه ای علمی و فنی ای چون کانون جز این انتظار نمی رود، بسترهای متعدد و جدیدی فرا روی پیشرفت های کانون گشوده شده است. با وجود همه این زمینه ها همچنان از دو منظر شکاف و فاصله نسل اول فارغ التحصیلان و نسل سوم (فارغ التحصیلان سال های ۱۳۷۵ به بعد) منجر به بهترین نتایج مورد انتظار نشده است. پیش از اشاره به این دو موضوع باید خاطر نشان ساخت که نسل دوم فارغ التحصیلان که از آن به عنوان حلقه مفقوده کانون یاد می شود بنا به دلایل متعددی چون سال های تعطیلی دانشگاه، جنگ و مسائلی از این دست اقبال کمتری به فعالیت های این چنین نشان داده اند که مختص به کانون تبریز نمی باشد و کمابیش در بسیاری از فعالیت های دیگر اجتماعی غیر انتفاعی تسری دارد.

• اگر منابع هویتی نسل ها در راستای تأیید و تکمیل یکدیگر قرار نگیرند و نسل های گذشته در بستر تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انعطاف لازم در باز تعریف ارزش ها را نشان ندهند زمینه های بروز تعارض ها افزایش می یابد.

اما اولین موردی که می توان از آن به عنوان مانع حضور و همکاری گسترده تر نسل سوم در کانون یاد کرد عدم تطابق تعاریف و اهداف کلیدی کانون با اولویت های اصلی و ارزشی این نسل می باشد. نسلی که بنابر دلایل بسیار تنها پیوند عمده خود با جامعه را خانواده می بیند و در گریز از تزویر دامنگیر جامعه ای که به ناگاه و در کوران رقابت هایی مدام و نفس گیر به آن وارد شده به فعالیت هایی که اهداف مادی یا نتایجی سریع و ملموس ندارد به دیده تردید می نگرد. مانع دوم ریشه در تفکر ارزشی و ایده آل گرایانه نسل اول دارد. نسلی که می بایست با نگاه نسلی خود را در خانواده و محیط های کاری متحول نماید و یا میان این حوزه ها با حوزه های اجتماعی و NGO ای تمایز قائل شود که این خود مستلزم این باور است که مشارکت های مدنی و اجتماعی در فضای همسطح شکوفاتر است تا محیط های خطی و آمرانه.

هر چند در جامعه ای که بر سه پایه اصلی خانواده- دولت- دین شکل گرفته است هم ریشه و هم راه حل بسیاری از شکاف ها را می توان در خانواده جستجو کرد اما در کانون های علم محور با اهدافی متعالی، راه حل های متعدد دیگری نیز می توان یافت و به اجرا درآورد. یکی از این روش ها که بر پایه تجارب مثبت کانون ها و مجامع مشابه قابل تعمیم و اجراست ایجاد فضاهایی جدید است که در عین سرعت و انرژی بالای مجموعه بتواند با تعاملاتی سازنده، نظر نسل های بالاتر را نیز تأمین نماید. این فضای جدید باید بتواند اهداف و ارزش های کانون را منعطف تر و با تعریفی جدید به اعضای جوان معرفی نماید تا همانگونه که جوانان در جمع مدیران و مسوؤلان اجرایی کانون فرصت و زمینه حضور یافتند عملاً در راهبری و اجرای برنامه های کانون نیز سهم خویش را ادا نمایند. ایجاد " شاخه جوانان کانون مهندسان فارغ التحصیل دانشکده های فنی تبریز " می تواند چنین فضایی را در اختیار کانون قرار دهد تا در آن هرگونه انفعال به تقابل و تضاد به تعامل و شکوفایی تبدیل گردد. بی تردید صبر، تدبیر و اعتماد به نسل جوان از سوی نسل اول اعضا و دست اندرکاران کانون در این رابطه موثر خواهد بود.

این عرصه جدید نه تنها می تواند باعث توسعه نیروهای مولد، ایده‌های نو و طرح های سودمند در کانون شود بلکه زمینه ساز ارتقاء دیدگاه و دانش نسل های جدید و تازه فارغ التحصیل هم هست. از این منظر جذب فارغ التحصیلان جدید با قوت بیشتری شکل می گیرد و ارتباط کانون با جامعه مولد خویش یعنی دانشکده های فنی تبریز مستحکم تر از قبل خواهد شد. اعضای این نهاد راهبردی باید با هدف دستیابی به دورنمای ترسیم شده کانون در اساسنامه آن تلاشی روز افزون داشته باشد. از دیگر سو نسل اول نیز با تقویت این شاخه از گسست نسلی که می تواند گریبان گیر کانون شود جلوگیری خواهد نمود. گسستی که برمبنای دیدگاههای متفاوت از جهان، آرمان های منحصر به فرد هر نسل، خواست ها و نیازهای آن و سرعت تحولات اجتماعی و تکنولوژیک می تواند منجر به دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر به لحاظ جغرافیای فکری و ارزشی شود.

مراجع :

۱- هیوز ۱۳۶۹ - صفحه ۱۴
۲- آزاد ارمکی - غفاری ۱۳۸۳ - صفحه ۱۰
۳- قیادی ۱۳۸۲ - صفحه ۵۴
۴- شکاف بین نسلی در میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - سالار اجتهاد نژاد ۱۳۸۵